

مریم عظیمی
گفت و گو

نمایش «الف غین میم یا همه‌ی چشم‌ها برای او» که سومین نمایش از یک سه‌گانه به نویسندگی و کارگردانی افشین زمانی است تا ۲۱ آذر ماه در سالن استاد ناظرزاده کرمانی روی صحنه می‌رود. در این نمایش بر اساس جنایتی که بر مردم کرمان روا شد به روایتی متفاوت از ظهور و مرگ آقا محمد خان قاجار پرداخته می‌شود روایتی که زنان پابانش را از نورقم می‌زند. در ادامه گفت و گوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

افشین زمانی، کارگردان:

یاد گرفته‌ام تئاتر دغدغه‌مند کار کنم

از شکلگیری ایده این سه‌گانه و ارتباط آن با دوره قاجار بگوئید.

شاید شروع این سه‌گانه به علاقه من به دوره قاجار به خاطر رویدادهای تاریخی و کاراکترهایی که داشته باز می‌گردد. من به دنبال وقایع تاریخی و کاراکترهایی می‌گشتم که دستمایه‌های کانسپت نقل قدرت کنم و به همین دلیل به این سمت رفتم و گرنه نمایش «هاری» لزوماً مربوط به قاجار نبود و برای آن از ادبیات صفوی استفاده کردم اما «شازده اجباری» در مورد یک شازده تمام شده قجری بود که در پایان دوره قاجار زندگی می‌کرد و آقا محمد خان هم که به تعبیری شروع کننده قاجاریه است.

شاید علاقه‌ای که خود من به زمان قاجار دارم به خاطر ادبیاتش باشد و گرنه این سه‌گانه صرفاً به فضای قاجاریه نمی‌پردازد.

با توجه به اینکه نویسنده و کارگردان کار هستیید و نقش آقا محمد خان را هم خودتان بازی می‌کنید با چه چالش‌هایی روبرو بودید؟

من خیلی دوست داشتم که این نقش را یک بازیگر خانم بازی کند ولی شاید آنقدر خوشبخت نبودم که بازیگری که مد نظرم بود امکان بازی این نقش را داشته باشد. تنها تصویر من از اینکه یک بازیگر خانم بتواند در تئاتر و سینمای ایران نقش آقا محمد خان را بازی کند خانم پانته بهرام بود که متأسفانه به خاطر اتفاقاتی که افتاد و شرایطی که برای کار ایشان ایجاد شد نمی‌توانستیم در خدمت خانم بهرام باشیم و گرنه ایشان به نظر من بهترین بازیگر تاریخ تئاتر ایران پس از انقلاب هستند حتی در طرح اولیه من با ایشان صحبت کردم بنا بود پیش برود و دوباره صحبت کنیم ولی متأسفانه اتفاق نیفتاد. اما در مورد بازیگر مرد برای این نقش باید بگویم که علاقه شخصی من به کاراکتر آقا محمد خان قاجار باعث شده بود تا دغدغه ذهنی‌ام این باشد که کاش کارگردانی آنقدر فرم، تاریخ و محتوا را بشناسد و من بتوانم نقش آقا محمد خان را بازی کنم اما از آنجایی که سال‌هاست دیگر برای کسی در تئاتر بازی نمی‌کنم و فقط در آثار خودم بازی می‌کنم بدون هیچگونه جانبداری دیدم که در حال حاضر بهترین گزینه این نقش خودم هستم و اگر هر کس دیگری را می‌آوردم و می‌خواستم آنچه که در ذهنم نسبت به این کاراکتر هست را به او انتقال دهم، شاید به این صورت در نمی‌آمد. اینکه نمایشنامه‌ای را بنویسید و کارگردانی و بازی کنید حتماً چالش‌های زیادی خواهد داشت ولی چون این اولین بار من نیست به تعبیری در این فضا به آن تجربه‌ای رسیده‌ام که می‌توانم این کارها را در کنار هم انجام بدهم و برای هیچ کدام از قسمت‌ها با توجه به توانایی خودم چیزی کم نگذارم.

آیا می‌خواستید که به بعد تاریخی اثر وفادار بمانید؟

نه اصلاً. اساساً دلیل پیدایش نمایشنامه «الف غین میم» یک بدگمانی به شرح واقعه تاریخی است. من به این فکر می‌کردم که اگر این سندی که وجود داد کذب، غلط و به نفع کسی نوشته شده باشد پس چه اتفاقی می‌توانسته رخ داده باشد و همین فکر باعث پیدایش چنین حکایتی شد. در چند نمایش با این مسئله برخورد کردم که آقا محمد خان را یک موجود خونخوار، به تعبیری روانی، مجنون و قدرت طلب نشان دادند. ولی من در این نمایش تمام تلاشم را کردم که این کاراکتر را به صورتی نشان بدهم که احساس می‌کنم هر بنده‌ای که دچار قدرت شود می‌تواند به این اشکال و به این خصوصیات منفی رفتار شود. یعنی همان کانسپت و تحلیل اصلی نمایشنامه مکبث که در پس هر قدرت یک ذات شیطانی نهفته است اینجا در مورد آقا محمد خان قاجار می‌تواند صدق کند. او که جوانی عاشق پیشه و بی‌گناه بوده اما در دیالوگی می‌گوید ما اشتباهی به قدرت رسیدیم در زمان اشتباهی به دنیا آمدیم و در جغرافیایی غلط‌تر از آن زندگی می‌کنیم به همین دلیل من دوست داشتم که حقیقتی را در مورد آقا محمد خان در ذهن خود پردازش کنم و جانب عدالت را در شرح دادن این واقعه تاریخی رعایت کنم. اگر اتفاقات این جهان را رصد کنیم می‌بینیم که امروز هزاران برابر بیشتر از فجایع و وقایعی که در آن زمان آقا محمد خان رقم

گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش «الف غین میم یا همه چشم‌ها برای او»

هیولای قدرت همه چیز



رقم بزنم. برای آن فضای سفید جنایت‌ها نیز تحلیلی که در ذهن من بوده این است که هر چقدر تلاش شود جنایات و کارهای اشتباه را در طول تاریخ، همین امروز و حتی در آینده در سلول‌های مخوف زیر زمین انجام دهند، روزی عیان خواهد شد و در نهایت زمانی که شما فکر می‌کنید هیچکس از ماجرا خبردار نخواهد بود به همین روشنی و سفیدی، پلیدی، زشتی و حق را ناحق کردن روزی عیان می‌شود و بیرون خواهد ریخت.

کاراکتر شیرین خان تداعی کننده بهره‌کشی قدرت از زنان و استفاده ابزاری بردن از آنها بود در مورد این کاراکتر و نقش پررنگ زنان در این نمایش بگوئید.

کاراکتر زن در تاریخ این سرزمین و در تاریخ پیدایش انسان در روی کره زمین، همواره کاراکتری بوده است که مورد تعرض و تبعیض قرار گرفته و شاید ذهنیت من بیشتر به سمت فمینیست بودن حرکت می‌کند چون در همه نمایش‌های من زن، عامل انجام اصلی‌ترین حرکت نمایشنامه است، چون اعتقاد دارم که اگر روزی بنا باشد که جهان رو به بهبود پیش برود و حال بهتری داشته باشد این اتفاق به دست خانم‌ها و زنان خواهد افتاد. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که کاراکترهای اصلی جامعه ما زنان هستند و بسیار جسور، نترس، خوش فکر و در برابر سختی‌ها محکم و پر قدرت هستند. خب من این نمایش را در این زمانه اجرا می‌کنم بنابراین باید یک رنگ و طیفی از اتفاقات و وقایعی که پیرامون خود من و در جهان اتفاق می‌افتد را روی صحنه شکل می‌دادم تا مخاطب بتواند بخشی از خودش را روی صحنه جستجو کند نه اینکه صرفاً بخواهم یک اثر تاریخی را روی صحنه ببرم و شاید آن ماجرای تاریخی یک بهانه‌ای باشد. شیرین خان نیز همینگونه است زنی زیبا با همه وجوه زنانه که توسط قدرت اخته و به یک کاراکتر

زده‌رخ می‌دهد و قطعاً محیط پیرامون آقا محمد خان، جغرافیایی که در آن زندگی می‌کرد، نوع تربیتش، خانواده‌اش و وقایعی که برایش اتفاق افتاده از او آنچه که در تاریخ آمده و من نمی‌توانم خیلی بر آن تاکید و باورش کنم را پدیدار کرده است.

از طرح کارگردانی و بخش چهارم برادر آقا محمد خان که بسیار قابل توجه است بگوئید همینطور از بخش سفیدی که بر خلاف سیاه چال‌های مشهور تاریخی در نمایش محل از تکاب جنایات هستند.

در کانسپت کلی کارگردانی این کار من به شدت تحت تاثیر میرهولد یکی از بزرگترین کارگردان‌های تئاتر دنیا، تئاتر فیزیکال و بیومکانیک هستم و در این سه‌گانه نیز با این فرضیه و برنامه جلو رفتم که کاراکترهای تاریخی را انتخاب کنم، وقایعی را برایشان طراحی کنم و در بستر نمایش میرهولدی و با بازی بدنی، ژست و ترکیب‌های استایلی آن را روی صحنه ببرم. در مورد برادران نیز همان طراحی انجام شده که در بخش‌های دیگر نمایش وجود داشته ولی چون در صحنه برادرها همه این کاراکترها به صورت ترکیبی روی صحنه هستند ممکن است بیشتر مورد توجه کسانی که به ریتم علاقه دارند قرار بگیرد. برای من ماجرای کانسپت داشتن در کارگردانی همیشه حائز اهمیت بوده اینک نمایشی را روی صحنه ببرم و سعی کنم که به زعم خودم خوراک درستی چه از نظر فرهنگی و چه از نظر تصویری برای زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کنم داشته باشد. مدت زمان این نمایش نیز یک ساعت و نیم است و نیاز دارد که در کارگردانی به طراحی برد و از میزانشن‌ها و لباس‌های شکیل و جذاب و تصویرها، نور، شکل و شمایل بهره‌مند باشد که همگی خوراک بصری کار را تأمین کنند و میرهولد با تئاتر بیومکانیک این امکان را به من می‌داد که بتوانم این اتفاق را